

## افغانستان دربند نقابداران روشنفکر!



### فصل دوم بخش دوم

با رعایت فواصل معقول که در فن بیان فرآیند ملت سازی وجود دارد نردبان صعود و نزول را آرا عمومی شهروندان یک کشور تعیین میسازد اما دراینکه از پله های این نردبان (زینه) چه کسی و چه جریانی بالا خواهند رفت! جایی تردید و سوال وجود دارد. همه میدانند و میدانیم که شرایط سیاسی و اجتماعی کشور ما نهایت پیچیده است اما چنانچه در بخش اول این یادداشت به عرض رساندیم

<http://www.dailymotion.com/video/x5t17le>

قرنهاست که مردمان مختلف با تمدن های گوناگون بدون آنکه از جغرافیای امروزی افغانستان عبورکنند به نیم قاره هند رسیده اند و برای هفتصد سال فارسی زبان اداری و نظامی هندوستان بود و در اوج چنین تحول بزرگ در نیم قاره هند بود که صدای آن درسراسر افغانستان امروزی و مساجدی از آسیای میانه شنیده می شد. بدون شک آن فرهنگ والای شرقی که تحمل و بردباری، آزادی و عرفان اسلامی را حمل مینمود و در مناره های قدرت آن روزگار بر دل های از عارفان و صلح طلبان می نشست و موجی از امید و آزادی خواهی و استقلال طلبی را ایجاد میکرد که بدون تردید، مثنوی معنوی اثر عارف جاویدان تاریخ مولانا جلال الدین بلخی و آثاری از بوستان و گلستان که اندیشه های ناب سعدی شیرازی را با سچمه های از عدالت و عرفان در دهلیزهای تاریخ قفقاز و آسیای میانه حک زده است اما ناگهان گروهی از ماجراجویان با شعار پرولتاریای جهان متحد شوید لباس انقلاب و طبقه کارگرد را برتن کردند و در اکتبر ۱۹۱۷ بزرگترین اما در عین حال خونین ترین انقلاب بلشویکی را در روسیه به پیروزی رساند که بنا بر برخی تخمین ها و آمارها در فاصله ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳ حدود پنج میلیون نفر از اهالی اتحاد شوروی به قتل رسیدند.



جالب و سخت شگفت انگیز بوده که از سال ۱۹۱۷ م که در نتیجه جنگهای فروان از سوی جنگجویانی که شعار حاکمیت دیکتاتوری پرولتاریا را سر میدادند انقلاب بلشویکی در روسیه استقرار یافت فرمان لغو فعالیت های مذهبی صادر شد و اعلام گردید که در شوروی پدیده ای به نام ملت و اسلام نمی تواند وجود داشته باشد و در تعارض میان ملیت با کمونیسم پیروزی با کمونیسم است. با این تصور نظام جدید به سرکوبی، انهدام، جابجایی اجباری مسلمانان پرداخت در سال ۱۹۴۴ م، ۳۰۰۰۰۰ تن از

تاتارهای قرم بازداشت و با وضع فجیعی به سبیری و قزاقستان فرستاده شده و روسها و اوکراینی ها قلمرو سابق آنان را غصب نمودند . در همین سال بدون هیچ گونه دلیلی قوم منطقه مسختی جنوب گرجستان بازداشت شده و به قزاقستان و ازبکستان کوچ داده شدند که از ۲۰۰۰۰۰ تن ، حدود ۵۰۰۰۰ تن از فرط سرما و گرسنگی در طول راه تلف شدند .



متأسفانه در دوره انسجام انقلاب بلشویکها بین سالهای ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۱ که به عنوان دوره کمونیسم جنگ معروف است میلیون ها انسان بی گناه در سرتاسر روسیه به اتهام های واهی ضد انقلاب به قتل رسیدند . نباید فراموش کرد که با تأسف و دریغ فروان باید گفت که هرچند در حوزه ء فرهنگی ، اقتصادی و سیاسی در تمامی زیربناهای جامعه به حکم دیکتاتوری پرولتاریا تغییرات گسترده ای بوجود آمد اما انقلاب اکتوبر نتوانیست دکترین نظامی و استراتژیژی امنیتی (اتحاد جماهیر شوروی ) را از محور روسیه تزاری به عصر جدیدی منتقل سازند . روی همین معادله وقتی در سال ۱۹۹۱ رسماً امپراطوری اتحاد جماهیر شوروی سقوط کرد آثار نفوذ و تسلط عنعنوی روسیه تزاری بر کشورهای تازه جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی به صورت رسمی به مشاهده میرسند . در این گونه وضع تاروتاریک جهان بینی مارکسیسم و لنینیزم بوده که برخی از نخبه گان چپ اندیش جوامع شرقی مانند ایران و افغانستان دست به ایجاد و بوجود آمدن سازمان های زدند که انترناسیونالیزم کارگری و " برادر خواندن " شان را مایه فخر و مباهات خویش میدانستند . اما جالب آنجاست که همین شبه روشنفکرانی که زمانی دنباله روی از تیوری غاصبانه و استیلاگرانه ای شبه مارکسیستی را مایه افتخار میدانستند بامختصر تمرین درکلوبهای شبانه پاریس و بهره از حلقه های درسی روشنفکران ایرانی صدا ها و ندهای هویت تمدن خراسانی با چاشنه ای نفرت پراگنی از خاکستر تمدن و فرهنگ بزرگ اسلامی در آسیای میانه سر میدهند که سران و حاکمان آن ها فقط با حذف ( پسوند ) یا آخرین بخش اسمای شان غسل تعمید مینمایند .

<http://www.dailymotion.com/video/x5t181s>

**امام علی رحمانوف از بازمانده گان حزب کمونیست شوروی سابق ویکی از الگوهای فاشیست های افغانی !**

بطور مثال امام علی رحمن که قبلاً رحمانف تخلص می کرد، با حذف پسوند روسی از نام خود آن را به امام علی رحمان تغییر داده است ، وی در نوزدهم نوامبر ۱۹۹۲ ریاست شورای عالی جمهوری تاجیکستان را بر عهده گرفت وی که در طول این دوران به فعالیت های حزبی (حزب کمونیست ) مشغول بود سرانجام در نومبر ۱۹۹۴ به عنوان سومین رئیس جمهور تاجیکستان انتخاب شد ، نباید از یاد برد که نقشه راه آقای امام علی رحمن از مصالحه و موادی تشکیل شده که ریشه در دیکتاتوری پرولتاریا دارد و طبیعی است که نه میتوان وی را با مختصر تغییر و با حذف پسوند نام در جایگاه مرشد افراطی برای زبان فارسی و فرهنگ اسلامی قرار داد ، همچنان الهام حیدر اوغلو علی اف رئیس جمهور کنونی آذربایجان که فرزند حیدر علی اف که از رهبران ارشد حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی بود و بنا بر اسناد منتشر شده در سال ۲۰۱۰ ویکی لیکس الهام علی اف با رئیس یک گروه جنایی مافیایی مقایسه شده است الهام علی اف و اعضای خانواده اش در رأس فساد مالی آذربایجان قرار دارند. پسر یازده ساله الهام علی اف رئیس جمهوری آذربایجان مالک چندین عمارت در دبی مرکز تجارتی امارات متحده عربی میباشد ، نباید تعجب کرد که چرا شبه روشنفکرانی چون

لطیف خان پدram نمائنده مردم شریف بدخشان در پارلمان افغانستان از نژاد آریائی سخن میگویند و تا دشمنی با ارزشهای قومی و ملی تمامی اقوام ساکن در افغانستان به پیش میرود .



## وقتی آغا پدram سفسطه گوئی می فرماید !

[www.dailymotiondeo/x5s6ccx](http://www.dailymotiondeo/x5s6ccx)

از جدید ترین و مسخره ترین کشفیات حضرت پدram در حوزه ادبیات عربی است که وی شرم را به جایی وجدان میداند و می فرماید که ما در تفکر دینی یک کلیمه بسیار مهمی داریم بنام **شرم** ، اینجا دانشمندان نشسته ما در تمامی حوزه تفکر کلیمه وجدان نداشتیم وجدان بعداً به وجود آمده ... به جای **وجدان** در دین ما در ادبیات خراسان زمین کلیمه **شرم** داشتیم افضل فضائل ! **شرم** یعنی دین یعنی **وجدان** داشتن ، **شرم** یعنی **وجدان** این کلیمه را ما نداشتیم و **شرم** خیلی ، خیلی مهمتر از این کلیمه وجدان بوده است . من به عنوان کسی که باور دارم اگر هر طالب علمی از حوزه ادبیات و گرامر عربی اندکترین اطلاعاتی داشته باشد شرم را معادل وجدان نه می شمارد ، زیرا مفهوم شرم نه میتواند ماهیت وجدان را از لحاظ مفهوم حمل کند که به معنای شرم به یک سو نهادن ؛ از حیا و شرم دست برداشتن . وقاحت کردن بیان گردیده است بلکه از نظر دانشمندان و زبان شناسان کلیمه "**ضمیر**" است که قبل از مفهوم **وجدان** در ادبیات عربی جا داشته است .

